

مختار و ادعای نبوت؛ اتهام یا واقعیت

محمدعلی محمدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۸

چکیده:

بر اساس برخی گزارش‌های تاریخی مختار بن ابی عبیده ثقفی مدعی نبوت بود و در پاسخ به تحدی قرآن جملاتی ارائه کرده بود. مسئله این تحقیق، «بررسی و نقد گزارش‌های ادعای نبوت مختار» است.

روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی - انتقادی و فرضیه مقاله این است که گزارش‌های مبنی بر ادعای نبوت یا هموردی مختار با قرآن کریم، دور از صواب است.

ارائه قرآن جدید بوسیله مختار، مقایسه خودش با پیامبران الهی (عل)، ارائه سخنان موزون و مشابه قرآن، ادعای علم غیب، تصریح صحابه مبنی بر ادعای نبوت او، ادعای دیدن فرشتگان و دریافت پارچه از آنان، مهمترین دلایل برای طرفداران نظریه ادعای نبوت بوسیله مختار است. بررسی نشان می‌دهد، دلایل یاد شده مخدوش است و دست طرفداران بنی امیه و آل زبیر در ساخت گزارش‌ها و انتشار آن موثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: مختار، ادعای نبوت، تحدی، قرآن، ابن عمر، ابن عباس

مقدمه

مختار در سال اول هجری در مدینه متولد شد. (بلا ذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۶: ۳۷۵. نویری، ۱۴۲۴ ق/ ۲۰۰۴ م، ج ۲۰: ۱۳۹) کنیه اش «ابواسحاق» و لقبش «کیسان» است. (کشی، محمد بن عمر کشی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۴۱). ورود مسلم بن عقیل، به عنوان نماینده امام حسین(ع) به خانه مختار و بیعت او با مسلم (دینوری، ۱۹۶۰ م: ۳۲۱. مفید، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۱. طبری، ۱۹۶۷ م، ج ۵: ۳۵۵) دستگیری، شکنجه و زندانی شدن وی بوسیله عبیدالله بن زیاد (بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ۳۷۷)، قیام و انتقام از قاتلان سیدالشهداء (علیه السلام) (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۵: ۳۳۴)، مبارزه با دو جبهه اموی و زبیری، مهم ترین فرازهای زندگی وی هستند. او سرانجام بوسیله نیروهای مصعب بن زبیر در کوفه به قتل رسید. (مسعودی، بی تا: ۲۷۰ ...)

یکی از مباحث مهم و کلیدی در باره مختار بررسی و تحلیل نقل‌های تاریخی است که برابر آنها، مختار از مدعیان نبوت بود چنانکه این کثیر می‌نویسد: کان کاذبا یزعم أن الوحی یأتیہ علی ید جبریل (ابن کثیر ۱۴۰۸ ق، ج ۶: ۲۹۱) ابن تیمیه نیز گوید فإن المختار کذاب ادعی النبوة (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق، ج ۴: ۳۲۹) و در جای دیگر تأکید می‌کند که وی مدعی بود جبرئیل نزد او می‌آید (همان، ج ۲: ۶۸ - ۷۱) نووی نیز در شرح صحیح مسلم در باره وی می‌نویسد: المختار بن أبی عبید الثقفی کان شدید الکذب ومن أقبحه إدعی أن جبریل صلی الله علیه وسلم یأتیہ (نووی، ۱۳۹۲ ق، ج ۱۶: ۱۰)

زبیریان با این بهانه که او ادعای نبوت دارد و با قرآن کریم معارضه کرده توانستند بر او غالب شده و علاوه بر مختار، عده زیادی از طرفدارانش را بکشند. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۵۸: ۲۳۰. ابن کثیر: ۱۴۰۸ ق؛ ج ۸: ۳۵۰). ولی این بررسی نشان میدهد توجیه یاد شده نادرست است.

علی رغم اهمیت یاد شده و پرداخت نسبتاً گسترده به «ادعای پیامبری مختار» در منابع تاریخی اهل سنت، که در همین مقاله به بسیاری از آنها اشاره شده، در منابع شیعی کمتر به این جنبه این بحث پرداخته شده و وثاقت یا ضعف روایی مختار (رک: خوبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۹: ۱۰۵) ادعای مهدویت وی (مرتضوی، ۱۳۹۲: ۱۰۵)، نقش ایرانیان کوفه در نهضت مختار (شاهرخی، ۱۳۸۷: ۶۳) و اثبات صحابه بودن وی (وب سایت موسسه تحقیقاتی ولی عصر)، مهمترین مباحث مورد توجه شیعیان بوده است.

خوانش انتقادی مدعاها

گزارش‌ها مبنی بر ادعای نبوت بوسیله مختار در منابع زیادی آمده است (رک: حمیری، ۱۹۷۲ م، ج ۱: ۱۸۲. ابن حنبل، ۱۴۲۰ ق، ج ۶: ۳۹۴. بیهقی، ۱۴۰۵ ق، ج ۴: ۴۸۳. ابن قتیبه، ۱۹۶۹ م: ۴۰۱). در گزارش‌های یاد شده، برای اثبات نبوت مختار به دلایل زیر استناد شده است.

۱. قرآن مختار

برابر برخی از گزارش‌ها تاریخی، مختار برای خود قرآنی جدید داشت و به یارانش می‌گفت که در قرآنش چنین و چنان نازل شده است. (حمیری، ۱۹۷۲م: ۱۸۲) جملات زیر نیز بخشی از قرآن منسوب به مختار است: «لتنزلن من السماء نار بالدهماء، فلتخوفن دار أسماء»: آتشی مهیب از آسمان نازل خواهد شد، خانه اسماء باید از آن آتش بپرهیزد. (همان)

اسماء بن خارجه، پدر همسر عبیدالله بن زیاد و مورد توجه و احترام زبیریان و امویان بود. در زمانی که مختار در زندان بود، اسماء از مختار خواست که وی را سرپرست تمام اموالش کند تا اسماء نیز در مقابل، از مختار شفاعت کرده، مقدمات آزادی وی را فراهم آورد. مختار، نه تنها پیشنهاد اسماء را نپذیرفت، بلکه در پاسخش گفت: من از زندان آزاد شده، عبیدالله را می‌کشم. (همان)

پس از قیام مختار، اسماء نیز تحت تعقیب قرار گرفت. در این بین به اسماء گفتند مختار مدعی است قرآنی بر او نازل شده و جملات فوق را به عنوان آیات الهی می‌خواند. اسماء با شنیدن سخنان فوق برآشفته و به مادر مختار نسبت زشتی داد و گفت او درباره خانه من قرآنی ساخته است. من دیگر در آن خانه ساکن نخواهم شد؛ از این رو فراری شد و مختار نیز پس از حمله به خانه مذکور، آن را به آتش کشید. (همان)

تنها جمله‌ای که می‌تواند شاهی بر ادعای نزول قرآن بر مختار باشد، جمله‌ی «ان المختار یقول لاصحابه: انه نزل علیه فی قرآنه...» است. (حمیری، همان) ولی این جمله در دیگر کتاب‌های معتبر تاریخی نیامده و آنچه در دیگر منابع آمده، هیچ دلالتی بر ادعای نزول قرآن ندارد. در دیگر کتب تاریخی آمده است که مختار پس از قیام، به یارانش گفت: قسم به پروردگار زمین و آسمان و نور و تاریکی، از آسمان آتشی سوزان یا سرخ یا تیره خواهیم ریخت و خانه اسماء را آتش فرا خواهد گرفت. عده‌ای سخن فوق را به اسماء رساندند. وی گفت: ابواسحاق برای ما شعر سروده است؟! او هرگز نمی‌تواند چنین کاری کند. در عین حال به روستاها فرار کرد و تا زمانی که مختار زنده بود، بازنگشت. مختار نیز خانه وی را به آتش کشید. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۴۱۰. مبرد، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۹۳. ثعالبی، ۱۹۶۵ م: ج ۱: ۹۱)

در مطلب فوق، هیچ سخنی از قرآن و آیه نازل شده وجود ندارد. مختار نیز ادعا ندارد که بر او قرآنی نازل شده و...، بلکه به خداوند متعال قسم می‌خورد که خانه اسماء را به آتش خواهد کشید. این مطلب با توجه به سابقه اسماء و دامادش یعنی عبیدالله بن زیاد و شرکت وی در ظلم‌های زبیریان و امویان قابل پیش‌بینی بود. اسماء نیز سخن مختار را تهدید تلقی کرد و فراری شد. خلاصه آن که سخن حمیری

درباره قرآن مختار، هیچ سندی ندارد، پس نمی‌توان بر آن احتجاج کرد. اسماء نیز از دشمنان شناخته‌شده مختار بود، پس سخنش حجیت ندارد. اصل مطلب، یعنی قصد مختار برای آتش زدن خانه اسماء قابل پذیرش است.

۲. مقایسه مختار با پیامبران پیشین

شاهد دیگری که برای ادعای نبوت مختار ارائه شده نامه‌ای است که برای احنف بن قیس نوشته و دلالت بر این دارد که مختار خود را از برخی پیامبران بالاتر می‌دانست. (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۵۴) عامر شعبی می‌گوید: من با احنف بن قیس هم‌نشین بودم. روزی در مقابل اهل بصره، به کوفی بودن خود افتخار می‌کردم؛ با توجه به این که مختار نیز از اهالی کوفه بود، احنف برای سرافکنده کردن من به کنیز خود گفت: نامه را بیاور. او آورد. در آن چنین آمده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم من المختار بن ابي عبيد إلى الأحنف بن قيس و من قبله من ربيعه و مضر
أسلم أنتم فإني أحمد إليكم الله الذي لا إله إلا هو، أما بعد فويل لأم ربيعه و مضر... إنه بلغني أنكم
تكذبوني وتؤذون رسلي وقد كذبت الأنبياء و أوذوا من قبلي و لست بخير من كثير منهم والسلام
(فسوی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱: ۱۸۶ و ج ۲: ۳۰) به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر. از مختار بن ابي عبيد به
احنف بن قيس و قوم ربيعه و مضر. تسليم شويد! خدایي را ثنا می‌گویم که جز او کسی نیست. اما بعد،
وای بر مادر ربيعه و مضر!... به من خبر رسیده است که شما فرستادگان مرا تکذیب کرده، آنان را
آزرده‌اید. پیامبران نیز قبل از من مورد تکذیب قرار گرفته و آزار شدند و من از بسیاری از آنها برتر
نیستم. والسلام

برخی دو بخش از نامه فوق را شاهد بر ادعای نبوت مختار دانسته‌اند یکی جمله «وقد كذبت الأنبياء و أوذوا من قبلي» و دیگری جمله «لست بخير من كثير منهم» (بیهقی، ۱۴۰۵ ق، ج ۶: ۴۸۳). در گزارش دیگری که آن‌هم از شعبی نقل شده، گفتگوی عامر و احنف این‌گونه نقل شده است: عامر گوید: وقتی احنف دید من به آن‌ها غالب شده‌ام، غلام خود را فرستاد و گفت: نامه را بیاور. وقتی آن را آورد و خواندم، در آن، سخنان مختار بود و ادعا کرده بود که پیامبر است! احنف گفت: چه زمانی اهل بصره چنین ادعایی داشته‌اند؟ (همان)

نامه یادشده نیز از نظر سندی و دلالتی اشکال دارد.

از حیث سندی، در گزارش‌هایی که مطلب مذکور را نقل می‌کنند افرادی همانند مجالد و شعبی وجود

دارند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳۴: ۴۸۲) که این دو نفر توثیق نشده‌اند. مجالد که نام کامل او «مجالد بن سعید بن عمیر الهمدانی» است. فرد ضعیفی است. (بخاری، ۱۳۹۶ ق، ج ۱: ۱۱۲. تمیمی بستی، ۱۳۹۶ ق، ج ۳: ۱۰) و استناد به روایات او جایز نیست. (شنقیطی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵: ۳۷۶) شعبی نیز از دشمنان مختار بود و در دستگاه زبیریان کار می‌کرد. (ابن عبد ربّه، ۱۴۰۴، ج ۴: ۲۵۰) او از دشمنان حضرت علی (علیه‌السلام) بود و برخی از دانشمندان را به بهانه زیاده‌روی در محبت به علی (علیه‌السلام) دروغگو می‌پنداشت. (ابن حجر، ۱۴۱۵ ق الف، ج ۲، ص ۱۲۷). وی برای کسب منزلت نزد حجاج، به علی (علیه‌السلام) دشنام داد. (غزالی، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۶) این کار وی مورد شماتت عده‌ای از دانشمندان عصر خود نیز قرار گرفت. (غزالی، همان) او می‌گفت: علی، قرآن نخوانده و آن را از حفظ نداشت؛ که این سخن او را بسیاری از دانشمندان اهل سنت نیز انکار کرده‌اند (ابن جزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۲: ۷۹۶)

دانشمندان رجالی شیعه نیز شعبی را به شدت نکوهش کرده‌اند چنانکه علامه خوبی درباره او می‌نویسد: وهو الخبيث الفاجر الكذاب المعلن بعدائه لامير المؤمنين (علیه‌السلام) (خوبی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰: ۱۷۰)

صرف نظر از ضعف سند، در جمله «لست بخیر من کثیر منهم» به عمد یا سهو تصحیف و تغییری رخ داده است. در برخی منابع، جمله نقل شده از مختار این است که «لست انا خیرا منهم» (طبری، ۱۹۶۷ م، ج ۶: ۸۵) بنا بر این نقل، مختار نه تنها خودش را پیامبر نمی‌دانسته بلکه در جمله یادشده تأکید می‌کند که پیامبران از او بالاترند.

از نظر دلالتی نیز جمله «كذبت الأنبياء و أودوا من قبلي» نیز بر ادعای نبوت دلالت نمی‌کند. مختار به هیچ وجه ادعا نکرده که پیامبر است؛ بلکه به این نکته اشاره می‌کند که نه تنها او و سایر مصلحان و نیکاندیشان، بلکه پیامبران الهی نیز در معرض آزار و اذیت مخالفان خود قرار داشتند. مختار در این بخش از نامه همانند همه رهبران صالح جامعه فکر می‌کند و سخن می‌گوید. مدعای وی این است که جنگ بین حق و باطل همیشه وجود داشته است. در این نبرد نه تنها نیکاندیشان و اصلاح‌گران، بلکه پیامبران الهی نیز مورد آزار و اذیت قرار داشتند. گویا مختار خود را از حیث این که مورد آزار قرار گرفته با پیامبران مقایسه کرده و منظورش این است که: نه تنها مختار، بلکه پیامبران نیز قبل از وی مورد اذیت و آزار قرار داشتند

در متون دیگری که نامه مختار را نقل کرده‌اند، پرده از معمای جمله «قد كذبت الأنبياء من قبلي» برداشته می‌شود. در این نامه می‌خوانیم: «... وقد بلغني أنكم تسمونني كذاباً و قد كذب الأنبياء

من قبلی و لست انا خیراً منهم»؛ شنیده ام که مرا بسیار دروغ گو می‌خوانید، پیامبران پیش از من نیز مورد تکذیب قرار گرفته بودند و من از آنان بالاتر نیستم.

در این نامه مختار خودش را از این حیث که مورد تکذیب قرار گرفته، با به پیامبران تشبیه کرده است، شاید این تشبیه نابجا باشد ولی هیچ دلالتی بر ادعای نبوت ندارد.

عده‌ای مختار را کذاب خوانده بودند و این خبر به گوش مختار نیز رسیده بود و مختار از این جهت ناراحت بود؛ از این رو در رد این اتهام به این نکته اشاره می‌کند که تهمت‌زدن به مردان بزرگ تازگی ندارد؛ پیامبران الهی نیز هدف تیر اتهام قرار داشتند. مختار که از پیامبران بالاتر نیست. پس در این نامه، هرچند مختار خود را به پیامبران تشبیه کرده است، اما نه از این جهت که بر او نیز همانند آنان وحی می‌شود، بلکه از این بابت که وی نیز آماج تهمتها قرار دارد و عده‌ای او را کذاب می‌نامیدند.

۳. ادعای یاران

دلیل دیگری که برای اثبات ادعای نبوت مختار و معارضه وی با قرآن ارائه شده، تصریح یکی از یاران و طرفداران مختار است که گفت: قد وضع لنا الیوم وحی ما سمع الناس بمثله فیه نبأ ما یکون من شیء. (طبری، ۱۹۶۷ م، ج ۶: ۸۵) او امروز برای ما وحیی جعل کرده که تاکنون آن را نشنیده بودم. در آن اخبار آینده بود.

این گزارش نیز ادعای نبوت مختار را ثابت نمی‌کند زیرا:

الف) راوی گزارش، یکی از عموهای اعشی با کنیه‌ی ابوامامه بود که به جلسه‌ی اصحاب خود می‌آمد و سخن فوق را می‌گفت. وی مجهول و ناشناس است.
ب) ممکن است فاعل «وَضَعَ» شخصی غیر از مختار باشد.

ج) در سند این گزارش، ابی الأشعر جهنی وجود دارد وی موسی بن عامر و شخصی مجهول است؛ و در مهم‌ترین کتاب‌های رجال اهل سنت از او نامی به میان نیامده است. (حمد ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۳۰۵؛ احمد خزرجی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱: ۳۹۱؛ ذهبی، ۱۹۹۵ م: ج ۶: ۵۴۶) و نباید با موسی بن عامری که در سال ۲۵۵ ق وفات یافت اشتباه گرفته شود. (حمد ذهبی، همان. احمد خزرجی، همان)

د) راوی گزارش، از ابتدا در پی تنقیص مختار و تهمت‌زدن به او بوده از این رو در متن گزارش، مختار را به «وضع وحی» متهم می‌کند.

ه) برابر گزارش طبری (طبری، ۱۹۶۷ م، ج ۶: ۸۵) و ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۳ ق ج ۳: ۵۴۲) و دیگران و به تصریح موسی بن عامر، سخنان یادشده را عبدالله بن نوف وضع می‌کرد و به مختار نسبت می‌داد

ولی مختار از آن سخنان اعلام انزجار و بیزاری می‌کرد.

و: صرف نظر از همه آنچه گذشت، مختار پس از گفتگو با میثم تمار، از برخی از علوم غیبی اطلاع یافته بود (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۹۱) و گاه بیان می‌کرد که ابن زیاد را خواهد کشت و... (ابن حجر، ۱۴۱۵ ق ب، ج ۶: ۲۵۰) افرادی که این سخنان غیب گونه را می‌شنیدید تصور می‌کردند مختار مدعی وحی و نبوت است. از این رو راوی گزارش فوق، تصریح می‌کند که سخنان مختار، خبر از آینده می‌داد.

ز: مختار نیز ادعای فوق را تأیید نکرده است.

۴. پیش‌گویی‌های مختار

دلیل دیگری که برای اثبات ادعای نبوت مختار بیان شده، پیش‌گویی‌های مختار است. برابر گزارش شهرستانی مختار مدعی بود او می‌تواند آینده را با وحی‌ای که به او می‌شود یا نامه‌ای که از طرف امام دریافت می‌کند، پیش‌گویی کند. (شهرستانی، ۱۳۷۵: ۱۳۲) برخی از پیش‌گویی‌های مختار عبارت‌اند از:

او از بند عبیدالله بن زیاد آزاد خواهد شد؛ وی به خون‌خواهی امام حسین (علیه‌السلام) قیام می‌کند؛ نه تنها عبیدالله نمی‌تواند در زندان مختار را بکشد، بلکه خودش به دست مختار کشته خواهد شد؛ مختار، پیشانی و گونه‌های سر بریده عبیدالله را لگدمال خواهد کرد؛ وی خانه اسماء بن خراجه را که از طرفداران زبیر بود، به آتش خواهد کشید و... (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۹۳. بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۶: ۴۱۰)

اینگونه پیش‌گویی‌ها یکی دیگر از شواهد کسانی است که وی را مدعی دروغین نبوت می‌دانند. در بررسی این ادعا باید توجه شود که هیچ‌گاه پیش‌گویی با ادعای نبوت ملازم نیست پس نمی‌توان گفت هر کس پیش‌گویی کند، ادعای نبوت هم دارد؛ چه بسا افراد زیادی که پیش‌گویی‌هایی کرده‌اند، ولی هیچ‌کس آن‌ها را مدعی نبوت نمی‌داند. میثم تمار یکی از یاران ممتاز علی (علیه‌السلام) بود که آن حضرت، دانش‌های فراوانی به میثم آموخته بود؛ از جمله وی را بر برخی از امور غیبی آگاه ساخته بود؛ به گونه‌ای که میثم محل شهادت خود و نخلی که بر آن آویخته خواهد شد و اینکه بر دهان او لجام خواهند زد و... را می‌دانست. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۹۱) از سوی میثم از دوستان مختار بود و مدتی نیز با هم زندانی بودند و میثم برخی از علوم علوی را برای مختار بیان کرده بود. از جمله به او گفته بود که تو از زندان آزاد می‌شوی و به خون‌خواهی امام حسین (علیه‌السلام) قیام می‌کنی و ابن‌زیاد را خواهی کشت... (ابن حجر، ۱۴۱۵ ق ب، ج ۶: ۲۵۰) مختار نیز آنچه را میثم برایش گفته بود، بازگو می‌کرد.

همچنین بخشی از سخنان مختار، همانند کشتن قاتلان امام حسین (ع) و... آرزوهایی بود که وی

داشت و محقق شد.

۵. تصریح صحابه

یکی از مهم‌ترین شواهدی که برای اثبات ادعای نبوت مختار اقامه شده، این است که برخی از صحابه همانند عبدالله بن زبیر، ابن عباس و ابن عمر بر این امر اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه در گزارشی می‌خوانیم: به ابن زبیر گفته شد که مختار گمان می‌کند وحی بر او نازل می‌شود. ابن زبیر گفت: راست گفته است؛ (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۳۷۱) سپس این آیات را خواند: «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ * تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ» (شعراء: ۲۲۱-۲۲۲) آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟! آن‌ها بر هر دروغ‌گوی گنه‌کار نازل می‌گردند. (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۳۷۱)

در گزارش دیگری، در باره ابن عباس چنین آمده است: قیل لابن عباس إن المختار یزعّم أنه یوحی إلیه. فقال: صدق إنهما وحیان وحی الله إلى محمد صلی الله علیه وسلم، ووحی الشیاطین، وقرأ: «وإن الشیاطین لیوحون إلى أولیائهم» «همانا وحی بر دو نوع است، یک وحی خدا که به حضرت محمد (ص) نازل شد. دوم، وحی شیطان است و آیه ۱۲۱ سوره انعام را خواند». (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۳۷۱) مشابه آنچه از ابن عباس نقل شده، بدون کمترین تفاوتی درباره ابن عمر نیز نقل شده است. (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۶: ۲۶۵)

برابر سه نقل یادشده، سه تن از اصحاب پیامبر (ص) تصدیق کرده‌اند که مختار مدعی نبوت بود. برای تحلیل دقیق متون یاد شده مناسب است از دو حیث سندی و دلالی بررسی شود. سند این گزارش‌ها همگی مخدوش و غیرقابل استناد است. برای نمونه سند گزارش ابن عباس چنین است: «حدثني مصعب بن عبدالله الزبیری عن أبيه قال: قال هشام بن عروه...». (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۴: ۴۴۶)

مقصود از مصعب در گزارش فوق، مصعب بن عبدالله زبیری و روشن است که گزارش‌های زبیریان علیه مختار پذیرفتنی نیست.

فرد دیگری که در این سلسله قرار دارد، «هشام بن عروه» است. درباره توثیق او نیز نظر واحدی وجود ندارد. برخی از دانشوران وی را توثیق کرده‌اند (شوشتری، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۰: ۵۶۵، شماره ۸۲۲۷ ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۷: ۳۲۱؛ بخاری، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۱۹۳-۱۹۴؛ رازی، ۱۳۷۲ ق، ج ۹: ۶۳-۶۴) هرچه باشد ملاحظاتی وجود دارد که پذیرش گزارش‌های هشام علیه مختار را با تردید جدی مواجه می‌کند؛ از جمله:

الف) وی از زبیریانی است که شدیداً شیفتهٔ عبدالله بن زبیر، دشمن سرسخت مختار، بود. (ب) روایاتی در دست است که در آنها هشام و دقت نظر او در نقل روایت نکوهش شده است. (همان: ۴۰)

ج) هشام در سال ۶۱ هجری، به دنیا آمده و هنگام قیام و کشته شدن مختار پنج ساله بوده و روشن است که کودک پنج یا شش ساله غالباً تحت تأثیر سخنان اقوامش قرار دارد و آنچه در بزرگسالی از سنین کودکی نقل می‌کند نیز همان یافته‌ها و شاید بافته‌هایی است که اقوامش به او آموخته‌اند؛ از این رو سخنان هشام نمی‌تواند حجیت داشته باشد.

د) عبدالله بن عباس، در سال ۶۸ ق در شهر طائف دیده از جهان فرو بسته است. پس در سال وفات عبدالله، هشام تنها هفت سال داشته و با توجه به محل سکونت ابن عباس و هشام، بعید است وی ابن عباس را دیده باشد؛ زیرا اگر هشام، ابن عباس را می‌دید، قاعدتاً به این دیدار اشاره می‌کرد؛ چنان که به ملاقاتی که در طفولیت با ابن عمر داشته، بارها اشاره کرده است. (بخاری، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۱۹۳-۱۹۴ و...)

ه) سخن نقل شده از هشام چنین است: «قیل لابن عباس إن المختار یزعم أنه یوحی إلیه...» که نشان می‌دهد گوینده خود هشام نبوده و او نیز از دیگران شنیده است و چنین سخنی صحت استنادی ندارد.

و) اهل سنت به این دلیل که بین شعبی و مختار اختلاف وجود داشت، سخنان این دو را دربارهٔ یکدیگر قابل پذیرش نمی‌دانستند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۱۲۸)

از نظر دلالتی نیز سخن ابن زبیر، ابن عمر و ابن عباس، نمی‌تواند نبوت مختار را اثبات کند؛ زیرا
 ا. سخنان اینان از روی حدس و با فرض اثبات ادعای نبوت بوده است. زیرا هیچکدام در کوفه و در کنار مختار نبوده‌اند. حتی اگر سخنی هم گفته باشند بر اساس شنیده‌ها و حدی است. به عبارت دیگر افراد یادشده شهادت نداده‌اند که مختار مدعی وحی است (شهادت حسی)؛ بلکه وقتی به آنان گفته شد که مختار چنین ادعایی دارد، به آیه تمسک بسته‌اند. از سویی دیگر در دانش رجال و نیز حقوق ثابت شده است که وقتی ادعایی دربارهٔ دیگران قابل پذیرش است که از روی حس باشد، نه از روی حدس؛ یعنی اگر دهها نفر در دادگاه حاضر شده، شهادت دهند که «شنیده‌ایم زید خمر می‌نوشد»، قاضی نمی‌تواند با توجه به گفتار اینان علیه زید رأی صادر کند، بلکه باید این افراد ادعا کنند که به چشم خود دیده‌اند که زید شراب می‌نوشد؛ چنان که دربارهٔ سایر حدود مانند حد قذف و... همین گونه است. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲)

۷۰: مدنی، بی تا: ۱۳۲؛ مشکینی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۷۴)

ب. حتی دانشمندانی که بر مختار خرده گرفته، وی را مدعی دروغین نبوت و... می‌نامند، بر این نکته تصریح کرده‌اند که وی قبل از قیام، نیکوکار، اهل فضل، (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۴۶۵؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ج ۶: ۲۷۵) دارای صفات پسندیده و دارای عقلی سرشار بود؛ (همان) ولی همین دانشمندان، بی‌توجه به فتنه‌های فرهنگی زیربان و بدون توجه به ریشه‌های روایت‌هایی که در ذم مختار به دست ما رسیده، وی را پس از قیامی که خود تصریح کرده جز در راه خداوند نبوده است، مذمت کرده، وی را دروغ‌گو و... نامیده‌اند. پس ایمان مختار قطعی و ادعای نبوت وی از روی گمان است. و تازمانی که دلیل قطعی در دست نباشد، نمی‌توان از دلیل قطعی مربوط به ایمان مختار دست شست.

ج. علاقه وافر ابن‌عباس به مختار، درود فرستادن بر وی، قبول هدایای مختار و تأکید بر این که در باره او جز خوبی نگویید، همگی شواهدی بر نادرست بودن گزارش هشام بن عروه مبنی بر شهادت ابن‌عباس بر ادعای نبوت مختار است. توضیح این که: پس از کشته‌شدن مختار، وقتی عبدالله بن زبیر، مختار را کذاب نامید، ابن‌عباس گفت: او مردی بود که قاتلان ما را کشت و خون ما را بازخواست کرد و اندوه سینه‌های ما را شفا بخشید، پاداش او دشنام و شماتت و نسبت‌های ناروا نیست. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۶: ۴۴۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴: ۷۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۶: ۴۴۶). در گزارش فوق، ابن‌عباس نسبت‌های ناروا را از مختار نفی می‌کند که یکی از نسبت‌های یادشده، ادعای نبوت است. همچنین روزی نزد ابن‌عباس از مختار سخن به میان آمد، او گفت: «صلی علیه‌الکرام الکاتبون» (بلاذری، همان) همچنین مختار هدایایی را برای ابن‌عمر، ابن‌عباس و ابن‌حنفیه می‌فرستاد و آنان می‌پذیرفتند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۶: ۴۴۶) در نتیجه ابن‌عباس نه تنها مختار را دروغ‌گو نمی‌دانست، بلکه معتقد بود نزد خداوند جایگاه والایی دارد؛ از این رو گفت: «درود فرشتگان بر او باد». وی از اینکه مختار، دروغ‌گو یا مدعی نبوت نامیده شود، ناراحت می‌شد و اجازه نمی‌داد به او نسبت‌های ناروا بدهند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۶: ۴۴۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴: ۷۲)

د. در باره ابن‌عمر نیز نمی‌توان پذیرفت که وی مختار را مدعی نبوت بداند زیرا افزون بر ملاحظات سندی و حدسی بودن این‌گونه شهادت‌ها و فرضی بودن آن و سایر دلایلی که در رد این گزارش گذشت، بررسی زندگی‌نامه مختار و ارتباط او با فرزند عمر بن خطاب و ارتباط خویشاوندی نزدیکی که داشتند و موضع‌گیری ابن‌عمر بعد از کشته‌شدن مختار، ثابت می‌کند گزارش مذکور نیز ساختگی است.

۵. عبدالله بن عمر، مختار و لشکریانش را افرادی موحد و خداشناس می‌دانست از این رو به مصعب بن عبدالله گفت: «قَتَلْتَمَنْ وَحَدَّ اللَّهُ» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۵۸، ص ۲۳۰، ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۵۴۴)

۶. دلیل دیگری که نشان می‌دهد هیچیک از صحابه مختار را مدعی نبوت نمی‌دانستند، نماز خواندن صحابه به امامت مختار است. یکی از شرایط اصلی برای امام جماعت، اسلام اوست و نماز خواندن پشت سر کافر باطل است (شافعی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱: ۱۶۸؛ شیرازی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۳۲۰ و...) وانگهی مدعی نبوت، کافر است. (کشمیری، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۴ م، ج ۴: ۱۱؛ حنبلی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۳۲۳) از دیگر سو با بررسی تاریخ ثابت می‌شود که بسیاری از صحابه پیامبر پشت سر مختار نماز خوانده‌اند؛ و به گفته ابن حزم صحابه از نماز خواندن به امامت مختارین عبید امتناع و ابائی نداشتند. (ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۵ ق، ج ۴: ۲۱۴) هر چند ابن حزم این سخن را در مقام مدح مختار نگفته، بلکه مقام اثبات عدم لزوم عدالت امام جماعت گفته است، سخن فوق نشان‌دهنده این است که صحابه، مختار را مسلمان می‌دانسته‌اند؛ زیرا بدون تردید، امام جماعت باید مسلمان باشد؛ پس مختار مدعی نبوت نبوده است. در زمان ابن زبیر از ابن عمر پرسیدند آیا پشت سر زبیریان، خوارج و خشبیه (یاران مختار) نماز می‌خوانید پاسخ داد: بلی. (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۴: ۱۶۹)

۶. مختار و جبرئیل

دلیل دیگری که برای اثبات ادعای نبوت مختار ارائه شده، گزارش‌هایی است که برابر آن‌ها، مختار مدعی بود جبرئیل و حتی میکائیل را دیده و جبرئیل نزدش بوده و روی تختی که در مقابل مختار بود، نشسته و برایش پارچه آورده است.

در گزارشی که از رفاعه نقل شده می‌خوانیم، نزد مختار بن ابی عبید رفتیم، وی گفت: همین الآن جبرئیل از نزد من برخاست و رفت. از این سخن مختار بر آشفتیم و تصمیم گرفتیم که گردن مختار را بزنیم؛ اما روایتی را که سلیمان بن صرد از رسول خدا (ص) برایم نقل کرده بود، یادم آمد که فرموده است: زمانی که شخصی تو را بر خوش امین قرار دهد، او را نکش. از آنجا که مختار مرا بر خوش امین قرار داده بود، از کشتنش صرف‌نظر کردم. (ابن حنبلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۶: ۳۹۴)

برابر گزارش دیگری مختار به صدلی‌ای که نزدش بود، اشاره کرد و گفت: «هم‌اکنون جبرئیل از روی این صدلی برخاست». (طبرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶: ۳۹۴) در گزارش دیگری به جای صدلی از متکائی سخن به میان آمده که وی مدعی بود جبرئیل بر آن تکیه کرده بود؛ (ابن حنبلی، ۱۴۲۰ ق، ج

۵: ۲۲۳؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱ ق، ج ۴: ۳۱۶؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۴۰۴. ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۸: ۳۲۰) چنان که در حدیثی دیگر از متکاهایی سخن به میان آمده که به ادعای مختار، جبرئیل و میکائیل برآن تکیه زده بودند. (طبرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۷: ۱۳۶ و ج ۷۰۹۰. طحاوی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۹۲. بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۶: ۴۰۰. فسوی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۴۲۳ و ج ۳: ۲۴۶)

در تحلیل این موضوع نیز به بررسی سندی و دلالتی گزارش‌ها خواهیم پرداخت.

از نگاه سندی، این گزارش‌ها همگی ضعیف است زیرا:

الف) در گزارش ابوعکاشه همدانی، (ابن حنبل، ۱۴۲۰ ق، ج ۶: ۳۹۴، ۲۷۲۵۱) ابوعکاشه و عبدالله بن میسره تضعیف شده‌اند. ابوعکاشه همدانی مجهول است که مزی، (مزی، ۱۴۰۶ ق، ج ۳۴: ۹۹) ذهبی، (ذهبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ۶۰۷) کنانی (کنانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۱۳۷) و ابن حجر، ۱۳۹۰ ق، ج ۷: ۴۷۵) بر مجهول بودن او تأکید کرده‌اند. عبدالله بن میسره نیز فردی است که علمای رجال، وی را با صفاتی همچون «ضعیف الحدیث»، «واهی الحدیث»، «ذاهب الحدیث»، «غیر قابل توجه» و «مجهول» معرفی و او را تضعیف کرده‌اند. (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۲ ق، ج ۵: ۱۷۷؛ ذهبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۷۳. همو، ۱۳۸۲ ق، ج ۴: ۲۱۰)

ب) در گزارش کثیرالنواء (طبرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۸: ۵، ح ۷۷۸) خود کثیرالنواء را علمای رجال تضعیف کرده‌اند. (مزی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۴: ۱۰۴؛ طوسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۴۹۶ و ۵۰۹؛ ابطحی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴: ۳۰۳؛ خوئی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۵: ۱۱۲. شهید ثانی، ۱۴۱۱ ق: ۴۸۵)

ج) گزارش اسماعیل بن عبدالرحمن سدی را علاوه بر احمد حنبل در مسند، (ابن حنبل، ۱۴۲۰ ق، ج ۵: ۲۲۳، ح ۲۱۹۹۷) ابوبکر شیبانی در *الآحاد و المثانی*، (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱ ق، ج ۴: ۳۱۶، ح ۲۳۴۴) و بسیاری دیگر از مورخان نقل کرده‌اند. (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۴۰۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۸: ۳۲۰) سند همه این گزارش‌ها نیز به سدی منتهی می‌شود که وی به اوصافی همانند: ضعیف، کذاب، شتام، لایحتج بحدیثه، رمی بالتشیع و یشتم ابابکر و عمر و... تضعیف شده است. (مزی، ۱۴۰۶ ق، ج ۳: ۱۳۲-۱۳۴. ذهبی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱: ۲۳۶). پس همان‌گونه که ابوحاتم نیز تصریح کرده است، (مزی، ۱۴۰۶ ق، ج ۳: ۱۳۲-۱۳۴) روایات سدی از حیث سندی، قابل احتجاج نیست.

د) در گزارش عبدالملک بن عمیر نیز خود عبدالملک با اوصافی چون «مضطرب الحدیث»، «مخلط»، «لیس بحافظ»، «تغیر حفظه قبل موته»، «مضطرب الحدیث جداً» تضعیف شده است. (ابن حبان، ۱۳۹۶ ق، ج ۲: ۱۵۱؛ سبط بن عجمی، ۱۴۰۶ ق: ۳۹؛ همو، ۱۹۸۸ م، ج ۱: ۲۲۶؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ ق، ج ۷: ۲۹۲)

از مجموع آنچه گذشت روشن می‌گردد احادیثی که بر ادعای آمدن جبرئیل نزد مختار دلالت می‌کند، نزد اهل سنت نیز از حیث سندی، همگی دارای مشکلی جدی است و نمی‌توان بدانها استدلال و احتجاج کرد.

صرف نظر از ملاحظات سندی، و با فرض پذیرش اینکه مختار از جبرئیل سخن گفته باشد، باز هم منظور مختار حضرت جبرئیل نبوده بلکه او غلامی به نام «جبرئیل» داشت، هنگامی که مختار می‌گفت: جبرئیل برایم این چنین گفت و برای جبرئیل چنین گفتم، مقصودش غلامش بوده، ولی عده‌ای تصور می‌کردند، مقصود او جبرئیل امین است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵:۳۶۳؛ ابن نمای حلی، ۱۴۱۶ ق: ۹۲). این نامگذاری در بین کوفیان مرسوم بود ولی تاریخ نویسان با تحریف لفظی چنین وانمود کردند که مقصود مختار حضرت جبرئیل است. (غزی، ۱۴۳۶ق: ۴۲۹)

برابر برخی گزارش‌های تاریخی نزد مختار پارچه‌ای بود که مدعی بود جبرئیل برایش آورده است. (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۶: ۴۰۰) این روایات نیز نمی‌توانند ادعای نبوت مختار را ثابت کنند زیرا از حیث سندی بلاذری گزارش مذکور را از مدائنی و او مستقیماً از حجاج نقل می‌کند؛ (همان) درحالی که بین زمان تولد مدائنی (۱۳۱ ق) و مرگ حجاج (۹۵ ق) بیش از چهل سال فاصله است؛ به عبارت دیگر چهل سال قبل از تولد مدائنی، حجاج از دنیا رفته بود؛ پس چگونه وی از حجاج سخن می‌گوید؟! بنابراین این گزارش از نظر سندی مرسله بوده، حجت نیست.

در سند روایت حوشب نیز به چشم می‌خورد که فرد موثقی نبود؛ وی در کنار زبیریان با مختار جنگیده و در کشتن مختار نقش مستقیم داشته است؛ (طبری، ۱۹۶۷ م، ج ۶: ۱۰۶) چنان‌که پس از زبیریان نیز رئیس شرطه حجاج بن یوسف بوده است. (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۸: ۳۹)

وانگهی با فرض قبول گزارش، ممکن است مقصود مختار از جبرئیل، غلامش باشد - چنان‌که گذشت.

نتیجه گیری

از مجموع آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت: گزارش‌های مربوط به ادعای نبوت و هم‌آوردی مختار با قرآن نادرست است. اینکه مختار قرآن جدیدی داشت، در کتاب الحورالعین نشوان حمیری آمده و فاقد وجاهت تاریخی بود و آنچه در دیگر منابع آمده دلالتی بر مدعا ندارد جملاتی که در باره تشبیه مختار به پیامبران در دست است علاوه بر ضعف سندی، تصحیف شده و با فرض پذیرش، وجه

شبه در آن، اذیت شدن و تکذیب بود. گزارش مبنی بر تأیید ادعای نبوت مختار بوسیله یارانش نیز بر مدعا دلالت نداشت. بین پیشگویی و ادعای نبوت نیز ملازمه‌ای نیست. آنچه از صحابه پیامبر(ص) به عنوان شواهد ادعای دروغین مختار آمده علاوه بر ضعف سندی و دلالتی با سیره ابن عباس و ابن عمر ناهمگون و غیر قابل پذیرش بود. در گزارش‌های مربوط به ارتباط جبرئیل با مختار نیز علی‌رغم شهرت آن بین اهل سنت، فاقد سند قوی بود و این احتمال که منظور مختار خادمش باشد دور از ذهن نبود. به نظر می‌رسد مبارزه همزمان مختار با دو جبهه اموی و زبیری در کنار اشتباهات وی و استفاده پررنگ زبیریان از دانشمندان درباری باعث شد شبهات فوق در منابع تاریخی منتشر و چهره واقعی مختار بسیار تیره نشان داده شود.



کتابنامه:

قرآن کریم

ابطحی، سیدمحمدعلی (١٤١٧ ق). **تهذيب المقال في تنقيح كتاب الرجال (رجال نجاشي)**، قم:

ناشر: فرزند مؤلف.

ابن تیمیه، أحمد عبد الحلیم (١٤١٦ق). **منهاج السنة النبویة**، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسۀ

قرطبة.

ابن حجر، أحمد بن علی بن حجر عسقلانی (١٤١٥ ق ب). **الاصابة في تمييز الصحابة**؛ به کوشش

علی محمد و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیة.

----- (١٤١٥ ق الف). **تقريب التهذيب**؛ به کوشش مصطفی، بیروت: دارالکتب العلمیة.----- (١٣٩٠ ق). **لسان الميزان**، بیروت: الاعلمی.ابن عبد ربه، أبو عمر، شهاب الدین أحمد بن محمد بن عبد ربه أندلسی (١٤٠٤ ق). **العقد الفريد**،

بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.

ابن ابی الحدید (١٣٧٨ق). **شرح نهج البلاغه**؛ به کوشش محمد ابوالفضل، ج ٢، بیروت: احیاء التراث

العربی.

ابن ابی عاصم ابوبکر، احمد بن عمرو بن الضحاک شیبانی (١٤١١ ق). **الأحاد والمثاني**، تحقیق باسم

فیصل احمد الجوابرة، ج اول، ریاض: دارالدراية للطباعة والنشر والتوزيع،

ابن اثیر علی بن محمد بن محمد (١٤٠٩ ق). **اسد الغابه في معرفة الصحابة**، بیروت: دارالفکر.----- (١٣٨٥ ق). **الكامل في التاريخ**؛ بیروت: دارصادر.ابن حبان تمیمی، محمد بن حبان ابن احمد ابی حاتم (١٣٩٦ ق). **كتاب المجروحین**، به کوشش محمود

ابراهیم، حلب: دارالوعی.

ابن حزم اندلسی، أبو محمد علی بن أحمد (١٤٠٥ ق). **المحلى بالاثار**، به کوشش احمد شاکر، بیروت:

دارالفکر.

ابن سعد (١٩٦٨ م). **الطبقات الكبرى**، بیروت، دار صادر.ابن عبدالبر (١٤١٢ ق). **الاستيعاب**، به کوشش البجاوی، بیروت: دارالجيل.ابن عساکر، أبو القاسم علی بن حسن بن هبة الله (١٤١٥ ق). **تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها****وتسمیة من حلها من الأمائل**، به کوشش علی شیری، بیروت: دارالفکر.

- ابن قتیبة، أبو محمد عبدالله بن مسلم بن قتيبة دینوری (١٩٦٩ م). **المعارف**، ج دوم، قاهره: دارالمعارف.
- ابن کثیر (١٤٠٨ ق). **البدایة والنهایه**، به کوشش علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن نمای حلی، جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله (١٤١٦ ق). **ذوب النصار فی شرح التار**، تحقیق فارس حسون کریم، ج اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.
- احمد بن حنبل (١٤٢٠ ق). **مسند احمد**، بیروت: دارصادر،
- اصفهانى، ابونعمین احمد بن عبدالله (١٤٢٢ ق). **معرفة الصحابة**، به کوشش محمد حسن و مسعد عبدالحمید، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بخاری جعفی؛ (١٤٠٧ ق). **التاریخ الكبير**، بیروت: دارالفکر،
- (١٣٩٦ ق). **الضعفاء الصغیر**، تحقیق محمود ابراهیم زاید، ج اول، حلب: دار الوعی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (١٤١٧ ق). **انساب الاشراف**، بیروت: دارالفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین (١٤٠٥ ق). **دلائل النبوة**، به کوشش عبد المعطی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعالی، ابي منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (١٩٦٥ م). **ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب**، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، قاهره: دار المعارف، چاپ اول،
- جزری، شمس الدین أبو الخیر محمد بن محمد بن محمد (١٤٣٩ ق). **غایة النهایة فی طبقات القراء**، طنطا: دار الصحابة.
- حمیری یمنی، نشوان (١٩٧٢ م). **الحوار العین**؛ تهران: اعادات.
- حنبلی، مرعی بن یوسف (١٤٢٥ ق). **دلیل الطالب لنیل المطالب**، ریاض: دار طیبیه.
- خزرجی، أحمد بن عبدالله (١٤١٦ ق). **خلاصة تذهیب تهذیب الکمال فی أسماء الرجال**، تحقیق عبد الفتاح أبو غده، حلب / بیروت: مکتب المطبوعات الإسلامیه/ دار البشائر،
- خوئی، سید ابوالقاسم (١٤٠٩ ق). **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الروات**، قم: دفتر آیه الله العظمی خوئی.
- دینوری، احمد بن داود (١٩٦٠ م). **الاخبار الطوال**، قاهره: دار احیاء الکتب العربی.
- ذهبی، حمد بن أحمد (١٤١٣ ق). **الکاشف فی معرفة من له روایة فی الکتب الستة**، تحقیق: محمد عوامه و أحمد محمد نمر الخطیب، جده: دار القبلة للثقافة الاسلامیه، چاپ اول:
- ذهبی، محمد بن أحمد (١٩٩٥ م). **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقیق علی محمد معوض و عادل أحمد عبدال موجود، بیروت: دار الکتب العلمیه،

- (۱۴۱۳ ق). **سیر اعلام النبلاء**، به کوشش گروهی از محققان، بیروت: الرسالة.
- (۱۳۸۲ ق)، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، به کوشش البجاوی، بیروت: الدارالمعرفة.
- (۱۴۱۸ ق) **المغنی فی الضعفاء**، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- رازی، ابن ابی حاتم (۱۳۷۲ ق). **الجرح والتعديل**، دکن: دائرة المعارف العثمانیة، بیروت: دارالفکر.
- سبط بن عجمی، ابراهیم بن محمد طرابلسی (۱۹۸۸ م) **الاغتیاط بمن رمی بالاختلاط**، قاهره: دار الحديث.
- (۱۴۰۶ ق)، **التبیین لأسماء المدلسین (أسماء المدلسین)**، تحقیق یحیی شفیق؛ ج اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- شافعی، محمد بن إدريس (۱۳۹۳ ق). **الأم**، طبع الثانية، بیروت: دارالمعرفة.
- شاهرخی، سید علاء الدین «نقش ایرانیان کوفه در نهضت مختار»، **مجله مشکوۀ**، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۰۰، ص ۶۳ تا ۷۷.
- شنقیطی، محمد امین (۱۴۱۵ ق). **اضواء البیان**، بیروت: دارالفکر.
- شوشتری، محمدتقی (۱۴۲۲ ق). **قاموس الرجال**، قم: نشر اسلامی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۷۵)، **الملل و النحل**، قم، الشریف الرضی
- شهید ثانی، حسن بن زین الدین (۱۴۱۱ ق). **التحریر الطاووسی**، به کوشش جواهری، قم: مکتبۀ النجفی.
- شیرازی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۲ ق). **المهذب فی فقه الشافعی**، بیروت: دار الشامیة.
- طبرانی؛ المعجم الاوسط (۱۴۱۵ ق). **تحقیق ابراهیم الحسینی**، قاهره: دارالحرمین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷ م). **تاریخ الامم والملوک**، بیروت: دارالتراث.
- طحاوی، ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه (۱۴۱۵ ق). **شرح مشکل الآثار**، تحقیق شعیب الأرناؤوط، ج اول، بیروت: مؤسسۀ الرسالة.
- طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق) **اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)**، به کوشش میرداماد و رجائی، قم: آل البيت.
- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد؛ (بی تا)، **احیاء علوم الدین**، بیروت: دارالمعرفة.
- غزی، سالم لذیذ والی (۱۴۳۶ ق). کربلا: انتشارات العتبه الحسینیة المقدسة.
- فسوی، یعقوب بن سفیان (۱۴۱۹ ق). **المعرفة والتاریخ**، بیروت: دارالکتب.

- کشمیری، محمد انورشان ابن معظم شان (١٤٢٥ ق) **العرف الشدی شرح سنن الترمذی**، تحقیق الشیخ محمود شاکر، ج اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- کشی، محمدبن عمر (١٣٦٣). **رجال الکشی**، قم: مؤسسه آل البیت.
- کنانی، احمد بن ابی بکر بن إسماعیل (١٤٠٣ ق). **مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه**، تحقیق محمد المنتقی الکشناوی، بیروت: دارالعربیة،
- مبرد، محمد بن یزید (١٤١٧ ق). **الکامل فی اللغة والأدب**، محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، قاهرة: دار الفکر العربی؛ چاپ سوم.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (١٤٠٣ ق). **بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الاطهار**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مدنی، رضا (بی تا). **کتاب القصاص للفقهاء و الخواص**، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مرتضوی، سید محمد «نظریه شهید مطهری درباره ادعای مهدویت مختار؛ توهم یا واقعیت»، **مجله مشرق موعود**، بهار ١٣٩٢، سال هفتم - شماره ٢٥، ص ١٠٥ تا ١٢٢
- مزی، یوسف بن زکی (١٤٠٦ ق) تهذیب الکمال؛ به کوشش بشار عواد؛ بیروت: الرسالة.
- مسعودی، علی بن حسین (بی تا). **التنبيه و الاشراف**، قاهره: دارالصابی.
- مشکینی، علی (١٣٩٢). **التعليقة الاستدلالية علی العروة الوثقی**، قم: انتشارات داراحديث
- مفید (شیخ مفید)، محمدبن محمد بن نعمان (١٣٧٢). **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی (١٣٧٠). **القواعد الفقهية**، قم مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- نوی، محیی الدین، یحیی بن شرف (١٣٩٢ ق). **شرح النووی علی صحیح مسلم**، دار احیاء التراث العربی - بیروت.
- وب سایت موسسه تحقیقاتی ولی عصر (بی تا)؛ (بی تا). **مقاله مختار بن ابی عیید**، صحابی رسول خدا، یا مدعی نبوت.